

مؤلف: پاتریک لانگ
مترجم: سروش بهرین،
مدرس دانشگاه علوم انتظامی

چکیده

کار پلیسی به علت شرایط پیچیده خود با دیگر مشاغل تفاوت‌هایی اساسی دارد. مأموران پلیس «خطوط قرمز» هستند که مرز نظم را از بی‌نظمی جدا می‌سازند و با ابزارهای قانونی خود به برقراری نظم و امنیت می‌پردازند. مأموران نوعاً وقت خود را صرف کار و تعامل با افراد بزه دیده، بزه‌کار و شرور جامعه می‌کنند. آنها حین گشت‌زنی در حوزه‌های استحقاقی خود در راستای کمک به مردم، اغلب با افرادی مواجه می‌شوند که بزه‌دیده، دردمند، خشمگین، ناامید، آشفته و گاهی سوگوارند. پلیس را به ندرت بر سر صحنه‌ای خوشایند فرا می‌خوانند. ماهیت این کار پلیسی برخی محققان را بر آن داشته است که ادعا کنند برخی انسانها ذاتاً شخصیتی پلیسی دارند و از این رو بعدها جذب کار پلیسی می‌شوند. البته بیشتر محققان بر این باورند که افرادی که شغل پلیسی را برمی‌گزینند و در سازمان پلیس گزینش و مشغول به کار می‌شوند، به واسطه فرایند جامعه‌پذیری و تجارب کاری خود، نقاب شخصیت پلیسی به چهره می‌زنند و در عمل، غرق خرده فرهنگ پلیسی می‌شوند. مقاله حاضر بر آن است ضمن تشریح خرده فرهنگ پلیسی و عناصر تشکیل‌دهنده آن، دیدگاه‌های مختلف درباره علل ایجاد شخصیت پلیسی را برای خوانندگان محترم تبیین کند.

کلید واژه‌ها

پلیس (Police)، خرده فرهنگ (Subculture)، حس برادری (Brotherhood)، نقاب شخصیت پلیسی (Polic Persona)، مأموران (Officers).

مقدمه:

اگر از مأموران پلیس بپرسید به چه علت این شغل را انتخاب کرده‌اند، ممکن است بشنوید: «برای کمک به مردم»، «برای ایجاد تحول»، «برای دستگیری اراذل و اوباش»، «برای کمک به جامعه»، «برای ایجاد امنیت» یا «برای هیجان». همه ساله هزاران زن و مرد، بنا به هر دلیلی، شغل پلیسی را برمی‌گزینند و وارد نیروی پلیس می‌شوند. در خرده فرهنگ پلیسی که یکی از ویژه‌ترین خرده فرهنگ‌های شغلی است، «حس برادری» خاصی مأموران پلیس را به یکدیگر پیوند می‌زند. البته تمام مأموران پلیس دارای خصوصیات شخصیتی و پایبند روحیات خاص خرده فرهنگ پلیسی مورد بحث در مقاله حاضر نیستند. جالب است که بیشتر مأموران به رغم داشتن تفاوت‌های بسیار با یکدیگر (زن و مرد، فقیر و غنی، ماهر و غیرماهر، تحصیل کرده و بی‌سواد و غیره) و پیشینه‌ها، انگیزه‌ها و فرهنگ‌های قومی و نژادی مختلف، «نقاب شخصیت پلیسی» به چهره می‌زنند و خرده فرهنگ پلیسی را می‌پذیرند.

شخصیت و خرده فرهنگ پلیسی را ابتدا ویلیام وستلی^۲ در سال ۱۹۵۰ میلادی مطالعه و مطرح کرد. از آن پس، تحقیقات بسیاری درباره این خرده فرهنگ خاص انجام شده است. هدف از انجام این تحقیقات تعیین نوع شخصیت افرادی که وارد سازمان پلیس می‌شوند و نیز تشریح ابعاد و کارکردهای خرده فرهنگ پلیسی است. کار پلیسی از حیث محیط و شرایط کاری پیچیده خود با دیگر مشاغل تفاوت‌هایی

۱. (persona): نقابی که فرد در ارتباط با توقعات و معیارهای اجتماعی، فرهنگی و سنتی جامعه از آن استفاده می‌کند، در واقع، نقشی است که اجتماع به فرد داده است و از او انتظار ایفای آن را دارد. هدف این نقاب در اصل، تأثیرگذاری بر دیگران و تاحدی پوشاندن طبیعت و ماهیت واقعی درونی فرد است (مترجم).

اساسی دارد. مأموران پلیس در ظاهر «خطوط قرمزی» هستند که مرز نظم را از بی‌نظمی جدا می‌سازند و از این روست که با تحقیق، میانجی‌گری، گزارش‌نویسی، بازداشت و اعمال قدرت باید به برقراری نظم پردازند. گرچه مأموران، کمتر به مبارزه با جرایم می‌پردازند، اما نوعاً وقت خود را صرف کار و تعامل با افراد بزه دیده، بزه‌کار و شرور جامعه می‌کنند. مأموران پلیس حین گشت‌زنی در حوزه‌های استحفاظی خود و در کمک به شهروندان، اغلب اوقات با افرادی مواجه می‌شوند که بزه‌دیده، دردمند، خشمگین، ناامید، آشفته و گاهی سوگواری دارند. پلیس را به ندرت بر سر صحنه‌ای خوشایند فرامی‌خوانند.

ماهیت کار پلیسی، برخی محققان را بر آن داشته است که ادعا کنند برخی انسانها ذاتاً شخصیتی پلیسی دارند و از این رو بعدها جذب کار پلیسی می‌شوند. البته چنین نظریه‌هایی را کمتر می‌پذیرند؛ بیشتر محققان معتقدند آنهایی که شغل پلیسی را برمی‌گزینند و در سازمان پلیس گزینش و مشغول به کار می‌شوند، به واسطه فرایند جامعه‌پذیری و تجارب کاری خود نقاب شخصیت پلیسی به چهره می‌زنند.

پلیس و جامعه‌پذیری

فرایند جامعه‌پذیری در حوزه کار پلیسی به دو روش صورت می‌گیرد: غیررسمی و رسمی. جامعه‌پذیری غیررسمی معمولاً پیش از ورود فرد به سازمان پلیس آغاز می‌شود؛ بدین معنا که، فرد ابتدا از طریق وسایل ارتباط جمعی درک نسبتاً اشتباهی از کار پلیسی انجام می‌دهد. فیلم‌های تخیلی و «واقعی»، مأموران پلیس را افرادی نشان می‌دهد که همواره در دنیایی مملو از هیجان و قدرت یا اقتدار زندگی می‌کنند. عناوین بیشتر روزنامه‌ها حاکی از وقایعی شگفت‌انگیز است که حل و فصل آن مستلزم اعمال قدرت پلیس است. ماهیت واقعی کار پلیسی که عمدتاً گزارش‌نویسی و جمع‌آوری اطلاعات است بسیار به ندرت در فرهنگ جامعه نشان داده می‌شود.

فرد بنا به هر دلیلی که شغل پلیسی را برمی‌گزیند باید با دیگر متقاضیان در فرایند گزینش رقابت کند. اغلب اوقات در فرایند گزینش، به معیارهایی همچون دانش، مهارت و توانایی‌های ضروری برای انجام مأموریت‌های پلیسی توجهی نمی‌شود، بلکه بیشتر

میزان منطق، شعور و شخصیت فرد که البته از ویژگی‌های مهم مأموران پلیس است، مدنظر قرار می‌گیرد. در بسیاری از فرایندهای گزینش، معیارهایی از قبیل پیشینه فردی، آمادگی جسمانی، توانایی در پاسخ به سؤال‌های کتبی، نتایج آزمایش با دستگاه دروغ‌سنج و مصاحبه لحاظ می‌شود. برخی محققان دلیل این امر را گزینش افرادی همگن می‌دانند.

متقاضیان موفق پس از گزینش و استخدام معمولاً به واسطه آموزش و تربیت در دانشکده‌ها و آموزشگاه‌های پلیس، فرایند جامعه‌پذیری رسمی خود را آغاز می‌کنند. در محیط‌های آموزشی معمولاً از مأموران پلیس خبره به عنوان مدرس استفاده می‌شود. این مدرسان اغلب در کلاس‌های درس از تجارب کاری خود، که البته بیشترشان اغراق‌آمیز است، برای دانشجویان می‌گویند و دانشجویان را در معرض جامعه‌پذیری غیررسمی قرار می‌دهند. این تجارب کاری و داستان‌های شخصی که مدرسان در کلاس تعریف می‌کنند، معمولاً درباره وقایعی شگفت‌آور و خارق‌العاده است و باعث می‌شود کار پلیسی بزرگ و مبالغه‌آمیز جلوه کند و دانشجویان تحریک شوند.

از این گذشته، خُلقیات، آداب، منش و دیدگاه‌های فرماندهان، خواسته یا ناخواسته در درازمدت در دانشجویان تأثیر می‌گذارد و آنها را کم و بیش به یکدیگر نزدیک می‌سازد. این جاست که جامعه‌پذیری رسمی که به واسطه تدریس و یادگیری مفاهیم علمی پلیسی در دانشجویان ایجاد می‌شود، تحت‌الشعاع جامعه‌پذیری غیررسمی قرار می‌گیرد.

مأموران جوان در خلال کار پلیسی غرق در فرایندهای جامعه‌پذیری غیررسمی و رسمی می‌شوند، شخصیتی پلیسی به خود می‌گیرند و پذیرای خرده فرهنگ پلیسی می‌گردند. در شرایطی که مأمور پلیس بیشتر وقت خود را با همکاران خود سپری می‌کند، طبیعی است که هنجارها و باورهای آنها را می‌پذیرد.

ویژگی‌های کار پلیسی

از قدیم، مأموران پلیس در اثر کسب ویژگی‌های خاص کار پلیسی، که قوام‌بخش نگرش خصمانه مردم نسبت به پلیس است، دیدگاه «ما در برابر آنها» یا «پلیس در برابر مردم»

به خود گرفته‌اند. از جمله این ویژگیها می‌توان به لباس فرم، اسلحه، بی‌سیم یا خودرو پلیس اشاره کرد. ویژگی‌های مزبور، مأموران پلیس را از عامه مردم جدا می‌سازد. بیشتر مردم عادی این مورد را که حاکی از قدرت و اقتدار است، ترس‌آور می‌شمرند و در نتیجه جرأت نزدیک‌شدن به مأموران را از دست می‌دهند.

فارغ از ویژگی‌هایی که حاکی از قدرت و اقتدار پلیس است، نوع کار پلیسی، خود به گونه‌ای است که باعث می‌شود شکاف بیشتری میان مأموران پلیس و مردم ایجاد کرد. برای نمونه، ساعات خدمت در سازمان پلیس معمولاً شیفتی است که این امر باعث می‌شود مأموران بیشتر اوقات خود را به دور از مردم سپری کنند.

خطر، بُعد دیگری از کار پلیسی است که آن را از بیشتر مشاغل جدا می‌سازد. کار پلیسی خطرناک‌ترین شغل نیست، اما احتمال آسیب‌دیدگی مأموران هنگام انجام مأموریت‌های پلیسی، بسیار است. وسایل ارتباط جمعی و مردم عادی معمولاً مأمور پلیس را فردی می‌دانند که هر روز جانش را کف دستش می‌گذارد. مشکل مأموران پلیس آن است که نمی‌دانند خطر، چه موقع و چگونه گریبانشان را می‌گیرد؛ از این رو، باید همواره در انجام مأموریت‌های خود احتیاط کنند. احتیاط‌کردن مأموران پلیس، آنها را وارد بعد دیگری از کار پلیسی به نام شک و ظن می‌کند که این شغل را از دیگر مشاغل جدا می‌سازد.

عنصر خطر به واسطه جامعه‌پذیری رسمی و غیررسمی مأموران پلیس در ذهن ناخودآگاه آنها نقش می‌بندد. ظن و شک که از عناصر ذاتی کار پلیسی است باعث ایجاد احساس نگرانی در بیشتر تعاملات مأموران با مردم می‌گردد. این احساس نگرانی در ارتباطات کلامی و غیرکلامی مأموران پلیس با مردم کاملاً هویداست و باعث می‌شود مردم تصور کنند آنها پرخاشگر و مهاجم هستند. مأموران پلیس آموزش می‌بینند توجه خود را به موقعیت‌ها، شرایط و رفتارهای مشکوک معطوف کنند. چنین موقعیت‌ها و شرایطی، معمولاً پایه و اساس انجام اقدام‌های پلیسی است.

اما شاید بارزترین ویژگی کار پلیسی، توانایی اعمال قانونی این قدرت باشد. مأموران پلیس باید در کشاکش برقراری نظم و امنیت و مبارزه با بی‌نظمی و ناامنی، رویکردی مناسب و متعادل اتخاذ کنند؛ آنها به عنوان مجریان قانون، خدمتگزاران مردم

و حافظان (حقوق جامعه) مجبورند به گونه‌ای رفتار کنند که بتوانند ضمن رعایت حقوق قانونی افراد، انتظارات مسئولان خود و نیز مردم را برآورده سازند. پلیس تنها سازمانی است که قادر است آزادی یا حتی زندگی افراد جامعه را قانونی بگیرد. چنین مسئولیتی بس خطیر و دشوار است و مأموران پلیس به واسطه جامعه‌پذیری رسمی و غیررسمی از لحاظ ذهنی و جسمی قابلیت پذیرش آن را می‌یابند. مأموران پلیس تدابیر، فنون و مهارت‌های لازم برای اعمال قدرت را رسماً آموزش می‌بینند.

ویژگی‌هایی که تاکنون از کار پلیسی برشمردیم همگی باعث ایجاد نقاب شخصیت پلیسی می‌گردد. محققان بسیاری سنخ‌شناسی‌ها و ویژگی‌های مختلف خرده فرهنگ و شخصیت پلیسی را مطرح کرده‌اند. از بارزترین آنها می‌توان به جرم اسکالینز^۱ (۱۹۷۵-۱۹۶۶) که «شخصیت کاری»^۲ پلیس را مطرح کرده است، اشاره کرد. عناصر شخصیت کار پلیسی را، که عبارت است از خطر و قدرت که به شک و ظن و درنهایت به انزوای اجتماعی منجر می‌گردد، پیش‌تر در این مقاله تبیین کردیم. ماهیت کار پلیسی وجود خطر را در این شغل اقتضاء می‌کند. وظیفه مأموران پلیس اعمال قانون و برقراری نظم و امنیت است، خواه مشروعیت قانون را خود بپذیرند، خواه با آن مخالف باشند. کمتر کسی مایل است دستگیر شود، به زندان رود یا جریمه شود. البته کمتر کسی را نیز می‌توان یافت که هرگز به گونه‌ای قانون‌شکنی نکند. از این رو، می‌توان گفت استرس، اضطراب، نگرانی و ترس که تأثیرات بسیاری در ذهن و جسم انسان می‌گذارد، همواره با مأموران پلیس عجین است.

مأموران پلیس، رسمی و غیررسمی یاد می‌گیرند چگونه با این هیجانانگیز دست و پنجه نرم کنند. مردم اگر رفتارهایی خاص یا نامطلوب بروز دهند، در نظر مأموران پلیس به «مهاجمان نمادین» بدل می‌شوند. خلاصه اینکه، مأموران پلیس در واکنش به رفتارهای شهروندان به اقدام‌هایی دست می‌زنند که در عین قانونی بودن، هیجانانگیز شهروندان را برمی‌انگیزاند و شرایطی بالقوه خطرناک برای مأموران ایجاد می‌کند. این امر باعث می‌شود مأموران احساس کنند مردم کار پلیسی را درک نمی‌کنند و نمی‌توانند

1- Jerom Skolnick

2- Working personality

با آنها همدردی کنند و در نتیجه باعث ایجاد بدگمانی در مأموران پلیس و جداسدن آنها از مردم می‌گردند. در این شرایط، مأموران ممکن است در جامعه احساس تنهایی کنند و تنها با دیگر مأموران درآمیزند و معاشرت کنند.

از دیگر ویژگی‌های شخصیتی پلیس می‌توان خودکامگی، تهاجم، بدگمانی، تعصب، مرموزبودن، سختگیری و قالبی‌نگری را نام برد. پلیس به مقتضای ماهیت شغل خود ناچار است برای انجام مأموریت‌های خود اعمال قدرت کند، اما مردم این اعمال قدرت را معمولاً نشان از سختگیری، بی‌ادبی یا تهاجم می‌دانند. مأموران پلیس دچار تضادی هستند که ناشی از بدگمانی آنهاست. مأموران تصور می‌کنند مردم قدر آنها را نمی‌دانند؛ این بدگمانی به تعصب آنها منجر می‌شود. از این رو، پلیس معمولاً از مردم برای انجام مأموریت‌های خود بهره نمی‌گیرد و ترجیح می‌دهد جدا از مردم به فعالیت بپردازد. مأموران پلیس، این گونه مقبولیت اجتماعی خود را از دست داده و ترجیح می‌دهند از اجتماع دور شوند و موضع «ما در برابر آنها» (پلیس در برابر مردم) بگیرند. مأموران پلیس معمولاً دنیا را سیاه و سفید می‌بینند. آنها با درآمیختن با فرهنگ پلیسی، ممکن است غرق در تعصب و گفتار و پندار قالبی گردند. مأموران براساس تجارب یا زندگی شخصی خود ممکن است دچار پیش‌داوری نسبت به مردم شوند.

سنخ‌شناسی مأموران پلیس

شایان ذکر مجدد است افرادی که شغل پلیسی را برمی‌گزینند الزاماً شخصیت و ویژگی‌های خردفرهنگ رایج پلیسی را اتخاذ یا رد نمی‌کنند. از این رو، مأموران مختلفی در خرده فرهنگ پلیسی به چشم می‌خورند. برخی محققان سنخ‌شناسی‌هایی از مأموران پلیس مطرح کرده‌اند. جان برادریک (۱۹۸۷)^۱ پس از مقایسه آثار دیگر محققان، سنخ‌شناسی‌ای کلی از مأموران مطرح می‌کند. وی در سنخ‌شناسی خود مأموران را به چهار دسته «مجریان قانون»، «آرمان‌گرایان»، «واقع‌گرایان» و «خوش‌بینان» تقسیم می‌کند.

«مجریان قانون» آن دسته مأمورانی هستند که از بُعد اجرایی شغل خود لذت فراوان می‌برند. این نوع مأموران دلسوز و همراه «افراد خوب» جامعه و مخالف سرسخت ارادل و اوباش و انگل‌های اجتماع هستند. آنها توجه خود را به نظم اجتماعی که مبتنی بر ارزش‌های انسانی و اصول اخلاقی است، معطوف می‌کنند. این مأموران معمولاً از دستگاه قضایی ناراضی و از شغل خود ناخشنودند، اما انزوای پلیس بیش از هر چیز دیگر به آنها انگیزه کار می‌دهد. آنها نسبت به دیگر انواع مأموران به جامعه بدگمان‌تر و نامهربان‌ترند، اما آرزویشان اعمال قانون است.

مأموران «آرمان‌گرا» را بدین علت به این نام می‌خوانند که به آرمانها و اهداف حاصل از اعمال قانون اعتقاد دارند. آنها ممکن است خود کاملاً به این آرمانها پایبند نباشند، اما آنها را درک و حمایت می‌کنند. این نوع مأموران به حقوق بشر ارج می‌نهند و دستگاه قضایی را قبول دارند، اما هنگامی که می‌بینند مردم قردان زحماتشان نیستند، دلسرد و ناامید می‌شوند. آنها بیش از «مجریان» قانون اما کمتر از «خوش‌بینان» از شغل خود رضایت دارند.

«واقع‌گرایان» نیز مانند «آرمان‌گرایان» بنا به دلایلی مختلف از شغل خود رضایت ندارند. این گروه از مأموران نسبت به جامعه بدبین هستند و این بدبینی را غالباً با احساس خشم و بدبینی بروز می‌دهند. آنها مشکلات جامعه، دستگاه قضایی و شغل پلیسی را کاملاً می‌شناسند، اما کمتر برای رفع این مشکلات راه‌حل مطرح می‌کنند. این نوع مأموران علاقه‌ای به شغل خود ندارند و تنها در صورت ضرورت، اقدام‌های پلیسی را انجام می‌دهند.

«خوش‌بینان» نسبت به انواع دیگر مأموران رویکردی متفاوت به کار پلیسی دارند. این نوع مأموران مایلند بیشتر اوقات خود را با مردم بگذرانند؛ آنها از این کار لذت می‌برند. اعمال قانون در نظر آنها اهمیت چندانی ندارد، بلکه تنها بخشی از کار پلیسی است. خدمت به جامعه مهم‌ترین مسئله از نظر این مأموران است.

«خوش‌بینان» دید مثبت‌تری نسبت به کار پلیسی دارند. آنها در مواجهه با شرایط دلسردکننده کاری مقاوم‌ترند و خدمت به مردم به آنها امید و انگیزه می‌دهد.

پلیس، فارغ از نوع شخصیت پلیسی یا حتی ویژگی‌های خاص مأموران پلیس، دارای

خرده فرهنگی خاص با قواعد و دیدگاه‌های منحصر به فرد است. کرنک (۱۹۹۸) فرهنگ پلیسی را «حامل ارزش‌های ریشه‌ای» می‌داند. مأموران پلیس همچون رودهای روانند که در دریای فرهنگ به یکدیگر می‌پیوندند و باهم یکی می‌شوند. خرده فرهنگ پلیسی به رغم وجود فراز و نشیب‌های بسیار شغلی، ثابت و دست نخورده باقی می‌ماند و به نسل جدید مأموران می‌رسد. انزوای فرهنگی مأموران پلیس حاکی از شخصیت فردی آنهاست. مأموران با انزوا و سرخوردگی اجتماعی، با ایجاد رابطه با همکاران خود به دنبال برآوردن نیازهای روانی حس تعلق هستند. انزوای اجتماعی مأموران به واسطه ایجاد چنین رابطه‌ای متبلور می‌شود. مأموران پلیس با حمایت کردن از همقطاران خود با اعتماد به آنها حس «برادری» با همکاران خود را تقویت می‌کنند. پیامد ناگوار چنین حسی ممکن است فراهم شدن بستری برای بروز رفتارهای انحرافی مأموران پلیس باشد. الیزابت روس^۱ (۱۹۸۳) قواعد غیررسمی فرهنگ پلیسی را تبیین کرده است. به نظر وی، مأموران پلیس به واسطه ایجاد حس انزوای اجتماعی «همکاران خود را رها نمی‌کنند» و «مراقب همکاران خود هستند».

کاپلر، اسلودر و البرت^۲ (۱۹۹۸) اصول کار پلیسی و ویژگی‌های مأموران پلیس را در آثار خود توصیف کرده‌اند. آنها بر این عقیده‌اند که پنهان کاری و رازداری در عملیات پلیسی و در کارکردهای درونی خرده فرهنگ پلیسی و نیز انزوای اجتماعی، از جمله ویژگی‌های بارز مأموران پلیس است. شجاعت نیز، که پیش‌تر در این مقاله به آن اشاره شد، خصیصه‌ای است که از ملزومات انجام موفق مأموریت‌های پلیسی است. روس (۱۹۸۳) بر این باور است که مأموران در خرده فرهنگ پلیسی خود تلاش می‌کنند هیچ نشانه‌ای از ترس و وحشت از خود بروز ندهند. مأموران نباید به دنبال دردرس بگردند، بلکه باید خود را مهیای مقابله با دردرس‌های احتمالی کنند. از ویژگی‌های دیگر کار پلیسی «استقلال» است. مأموران در انجام مأموریت‌های خود دارای قدرت اختیار هستند؛ از این رو، باید قدرت تصمیم‌گیری و قضاوت بسیار داشته باشند.

کار پلیسی بنا به شخصیت خاص مأموران و آرمان‌های ویژه مربوط به خرده

1- Elizabeth Reus, 1983

2- Kappeler, Sluder, & Alpert, 1998.

فرهنگ پلیسی با دیگر مشاغل تفاوت‌های بسیار دارد. مأموران پلیس به رغم رویارویی با مشکلات بسیار به کار خود که همانا برقراری نظم و امنیت است ایمان دارند. انسان ذاتاً شخصیتی پلیسی ندارد، بلکه در اثر جامعه‌پذیری و در آمیختن با خرده فرهنگ پلیسی شخصیتی پلیس به خود می‌گیرد.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

- Brodrick, J.J. (1987). *Police in a Time of Change*, 2nd ed., Waveland Press, Inc., Prospect Heights, IL.
- Crank, J.P. (1998). *Understanding Police Culture*, Anderson Publishing Company, Cincinnati, OH.
- Dunham, r.g. and Alprt, g.P. (2001). *Critical Issues in Policing*, 4th ed., Waveland Press, Inc., Poospect Heights, IL.
- Kappeler, V.E., Sluder, R.d. and Alpert, G.P. (1998). Forces of Deviance. *Understanding the Dark Side of Policing*, 2nd ed., Waveland Press, Inc, Prospect Heights, IL.
- Langworthy, R.H. and travis L.F., III (1994). *Policing in America: A Balance of Forces*, Chap. 10: Police Officers, MacMillan Publishing company, New York.
- Peak, K.J. (2003). *Policing America: Methods, Issues, challenges*, 4th ed. Chap. 3: Police subculture: The making of a cop, Prentice Hall, Upper Saddle River, NJ.
- Van Maanan, J. (1973). Observations on the making of policemen, in Manning. P.K. and Van Maanan, J. (1978) *Policing: a view from the street*.
- Skolinick, J.H. (1975). *justice Without Trial*, 2nd ed., chap. 3: A sketch of the Policemans's "worling personality." John Wily and Sons, Ins., New Yourk.
- Walker, S. and Katz, C.M. (2002). *The Police in america: An Introduction*, 4the ed., Part 4: Officers and organizations, Mc Graw - Hill Companies, Inc., New York.
- Wilson, J.Q. (1978). *Varieties of Police Behavior: The Management Of Law and Order in Eight Communities*, Chape. 2: The Partolaman. Harvard University Press, Cambridge, MA.